



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

کتاب شناسی

بزرگترین کتاب پنهان
و اختلافات نسخه های آن

محمد مجید طباطبائی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کتابشناسی بزرگترین کتاب بهائیان و اختلافات نسخه های آن

نویسنده:

محمد محیط طباطبائی

ناشر چاپی:

ماهنامه گوهر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵ فهرست
۶ کتابشناسی بزرگترین کتاب بهائیان و اختلافات نسخه های آن
۶ مشخصات کتاب
۶ کتابشناسی بزرگترین کتاب بهائیان و اختلافات نسخه های آن
۱۵ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

کتابشناسی بزرگترین کتاب بهائیان و اختلافات نسخه های آن

مشخصات کتاب

مؤلف: محمد محیط طباطبائی

بهمن و اسفند ۲۵۳۶، صفحات ۸۳۱-۸۲۲

برگرفته از: ماهنامه گوهر، سال ۵، شماره ۱۱ و ۱۲

کتابشناسی بزرگترین کتاب بهائیان و اختلافات نسخه های آن

در کتابخانه مجلس شورا نسخه کوچک زیبایی از کتاب ایقان اثر میرزا حسینعلی بهای نوری وجود دارد که در سال ۱۲۹۴ هجری به خط نسخ زین العابدین نجف آبادی مشهور به زین المقربین کاتب خاص بهاء در شهر موصل نوشته شده و جلد ظریف اسلامبولی و غلافی از همان نوع برای آن ساخته و پرداخته اند. در حاشیه چهار صفحه از این نسخه کسی با امضای ع مطلبی از شیخ بهائی به نقل از فتوحات مکیه در سال ۱۳۰۷ نوشته است که شاید یکی از صاحبان نسخه حاشیه را بر آن افزوده شد. مرحوم محسن خان امینی در حیات خود این نسخه را به کتابخانه مجلس تقدیم نموده که بنا به احتمال قوی از کتابخانه پدر به او میراث رسیده بود. صحافی بسیار ممتاز اسلامبولی از جلد و غلاف نسخه این حدس را پیش می آورد که محسن خان معین الملک سفیر کبیر ایران در اسلامبول نسخه را در کشور عثمانی به دست آورده و برای دوست یگانه اش میرزا علی خان امین الدوله به تهران فرستاده باشد. مؤلف ایقان در کتاب الشیخ خود معین الملک سفیر کبیر ایران را از جرگه افرادی که در سفارت اسلامبول نسبت به یاران وی سختگیری می کرده اند، استثنا نموده و بدو حسن ظنی ابراز می کند و بعید نیست این نسخه را هم که به خط کاتب مخصوص بهاء بوده خود برای معین الملک تهیه کرده و فرستاده باشد. نسخه های دیگری از ایقان که پیش از این تاریخ (کلیشه ۱ و ۲) و بعد از آن نوشته شده اند در کتابخانه های داخل و خارج ایران سراغ داریم. اما اهمیت و اعتبار نسخه کتابخانه مجلس شورای ملی در این است که کاتب مخصوص آثار بهاء در پایانش تصریح می کند که این سی و پنجمین نسخه ای می باشد که از این کتاب نوشته است. علاوه بر این فاضل مازندرانی در صفحه ۲۷۸ از جلد اول اسرار الآثار خود به نقل از نوشته های میرزا آقاخان خادم در پاسخ کسی که از بهاء راجع به دادن نسخه ای از ایقان به یک نفر اروپایی کسب اجازه کرده چنین می نویسد: «این که درباره شخص اجنبی از اهل اروپا نوشته بودند، عرض شد: فرمودند: امثال آن نفوس اگر اخذ نمایند و به ولایت خود ارسال دارند. باسی (باکی) نیست و لکن اگر در آن ارض (؟) اظهار کنند، سبب فساد (؟) خواهد شد و باید آن چه داده می شود، صحیح باشد. بعضی از نسخ ایقان که در این (عکا) موجود است تماماً به طراز صحیح فائز نشد و اگر کتابی که در این اواخر غصن اکبر نزد زین المقربین فرستادند و الواح ملوک در آن مسطور، داده شود احسن است و لکن بعد از اطمینان.» موضوعی که مورد استناد فاضل از نوشته خادم قرار گرفته همانا اظهار اعتماد صاحب کار به نسخه ای بوده است که میرزا محمد علی غصن اکبر پس از فوز به طراز تصحیح و خواندن بر پدر نزد زین المقربین کاتب وحی او فرستاده بود. لاجرم این تنها نسخه قابل اعتمادی بوده که کاتب مذکور از روی آن نسخه های متعددی بر می داشت و تسلیم می کرد و نسخه کتابخانه مجلس شورا سی و پنجمین آنها می باشد. وجود کاتب نسخه را در شهر موصل به تاریخ تحریر این رساله، شرحی تأیید می کند که همو در خاتمه نسخه ای از نوشته های بها در همین شهر و به همین تاریخ نگاشته و این نسخه فعلاً در اختیار آقای مصطفوی از فضلاء معاصر است و دلالت می کند بر این که زین المقربین دو ماه پیش از نگارش نسخ ایقان کتابخانه مجلس، در شهر موصل حذباء اقامت داشته و مجموعه مبین از مکتوبات بهاء را می نوشته است. میرزا حسینعلی در سال ۱۳۰۸ یعنی یک سال پیش از فوت خود میرزا محمد علی غصن اکبر پسرش و میرزا آقاخان خادم

منشی حضور خود را از عکا به بمبئی فرستاد تا آثار قلمی او را که در عثمانی ممکن نبود به چاپ برسد به طبع برسانند. این دو تن اقدس و ایقان چاپ اول را پیش از مرگ بهاء و بازگشت خود به عکا انتشار دادند. در پایان چاپ اول از نسخه ایقان تاریخ کتابت و نام چاپخانه و کاتب ثبت نشده ولی هر دو چاپ از این دو کتاب همواره در پیش کتاب شناسان به چاپ اول معروف بوده است. مقایسه متن چاپ اول ایقانی که کلیشه صفحه های اول و آخر آن را در اینجا (۳ و ۴) به نظر می رساند، با ایقان خط زین المقربین که کلیشه دو صفحه از آن هم منظم است (کلیشه ۵ و ۶) و مطابقت کامل آنها با یکدیگر، نشان می دهد که هر دو از روی نسخه استاندارد یا بنیادی برداشته شده اند که اجازه نشر آن به امضای صاحب کار رسیده بود. میرزا حسینعلی نامه ای به آقا جمال بروجردی (که بعدها از طرف غصن اکبر به گفتار ملقب و معروف شد) چنین توصیه می کند و این نوشته او مورد استناد فاضل مازندرانی در اسرار الآثارش قرار گرفته است: در حفظ کتاب الهی سعی بلیغ مبذول دارند چه که مجدد امام و چه (پیش رو) قرائت شده، آن چه در دست عباد است باید به آن مطابق و موافق شود و کتاب ایقان، صحیح آن به جناب علی قبل اکبر (علیه بهائی) عنایت شده، نسخ موجود باید به آن مطابق شود یا از روی آن مجدد بنویسند اولی و انطباق است. بنابراین نسخه های ایقانی که از ۱۲۸۰ به بعد نوشته شده بود همه احتیاج به تصحیح و تطبیق با ایقان ملا علی اکبر و یا تجدید کتاب پیدا کردند. حال باید دید باعث بر این دغدغه خاطر در تصحیح و نسخه برداری چه بوده که میرزا آقا جان خادم یا منشی حضور را واداشته اند در نادرستی ایقانهای موجود و لزوم تطبیق آنها با نسخه ای که غصن اکبر به زین المقربین داده بود چنان پیام تردید انگیز را بفرستد و به آقا جمال بروجردی در ایران توصیه شود که همه نسخه های مکتوب و موجود را بر نسخه ایقان ملاعلی اکبر شه میرزادی، تصحیح و یا تجدید کتابت کنند. میرزا حسینعلی در نامه معروف لوح شیخ که در ۱۳۲۲ هجری به اسم کتاب الشیخ در قاهره مصر به چاپ رسیده درباره ایقان سخنی دارد از این قرار: "چندی قبل مذکور شد کتاب ایقان... را نسبت به غیر داده اند. غیر از ادراک آن عاجز است تا چه رسد به تنزیل آن،" باز در همین اثر بدون مناسبت، میرزا حیدر علی مبلغ اصفهانی (صاحب دلایل العرفان) را مخاطب قرار می دهد و می گوید: «از ارض ص. (اصفهان) نوشته اند که همین (بایبان) ارض، ناس را به کتاب ایقان به مطلع اوهام (ازل) دعوت می نمایند. این است شأن عباد!» از این عبارت استنباط می توان کرد که دو عبارت «مصدر امر» و «کلمه مستور» از ایقان در اصفهان وسیله تبلیغ به دست بهائی ها داده بود تا از آن به نفع میرزا یحیی برادر کوچک بهاء که بازگشت آن عبارت ها در روز خود به سوی او بوده است، استفاده کنند و این امر باعث خرسندی و اعتراض برادر بزرگ را در خطاب به میرزا حیدر علی فراهم آورده بود. با مراجعه سریع به آن چه از زیر نظر مطالعه گذشت، فهمیده می شود که متن موجود ایقان از موقع تدوین کتاب اقدس به بعد همواره موجب نگرانی و عدم رضایت نویسنده کتاب را فراهم می آورده و این حالت تردید بر نزدیکان و خواص یاران او هم اثر گذارده بود. شاید برخی تصور کنند وجود پاره ای اغلاط املائی و انشائی و مسامحه هایی که در ضبط آیات قرآن کریم و اخبار منقول در ایقان به چشم می خورد باعث اصلی بر چنین نگرانی یا دور اندیشی ها در نسخه برداری از آن شده بود. اما آن احساس ناراحتی ممکن است فی الواقع به این نکته سنجی ها مربوط نبوده بلکه از بابت وجود برخی عبارتها و کلماتی باشد که به یکی دو تا از آن اشاره ای رفت و تبدیل آنها می توانست بر حوادث گذشته بغداد و تهران و مازندران پرده فرو افکند. برای توضیح بیشتر این معنی و تکمیل فایده خوانندگان این مقاله ناگزیر از تمهید مقدمه ای درباره کیفیت تدوین ایقان به سعی و اهتمام میرزا حسینعلی بهاء می باشد. پس از آن که توطئه سوء قصد به جان ناصرالدین شاه از طرف بایبانی که در تهران گردآمده بودند شکست خورد و شیخ علی عظیم خراسانی رئیس بایبه و مسئول این توطئه با عده ای از هم فکran و همدستان خود کشته شدند، میرزا حسینعلی بهاء به یاری صدر اعظم نوری و منشی سفارت روس که شوهر خواهرش بود توانست خود را از شرکت در این کار تبرئه کند و به عتبات برود و در بغداد رحل اقامت بیفکند. " مجالس تحقیق هم عدم تقصیر ثابت، مع ذلک ما را اخذ نمودند و از نیاوران سر برهنه و پای پیاده به سجن تهران بردند. در ایام و لیالی در سجن مذکور در اعمال و افعال و حرکات حزب بابی تفکر می نمودم که...

آیا چه شده که از ایشان چنین عملی ظاهر؟ یعنی جسارت و حرکت آن حزب نسبت به ذات شاهانه. و بعد این مظلوم اراده نمود که بعد از خروج از سجن به تمام همت در تهنیت آن نفوس قیام نماید... چون مظلوم از سجن خارج، حسب الامر حضرت پادشاه - حرسه الله تعالی - مع غلام دولت علیه ایران و دولت بهیه روس به عراق توجه نمودیم و بعد ورود ... این حزب را به مواظبت حکیمانه و نصایح مشفقانه نصیحت نمودیم و از فساد و نزاع و جدال و محاربه منع کردیم.» پس از رسیدن به آن شهر میرزا یحیی برادرش که از طرف بایان بعد از کشته شدن عظیم جانشین سبد باب شناخته شده بود با عده دیگری از بایان به بغداد آمدند و بیاسودند. اختلافاتی که در تهران پس از غلبه عظیم بر مدعیان از میان رفته بود در بغداد تجدید شد و هر یک از این آوارگان سودائی در سر می پرورند و ادعای ظهور جدیدی در فرصت مقتضی می کرد. بهاء با وجود آن که نتوانست آن چه را که در زندان تهران برای ارشاد و تهنیت این حزب از مفاسد اخلاقی نیت کرده بود به موقع عمل در آورد مورد بدگمانی و بی اعتمادی بایان همسفر قرار گرفت. آن گاه برای رهایی از این ورطه، راه کردستان را در پیش گرفت و زیر نام درویش محمد به درویشان نقشبندی سلیمانیه پیوست که از عرفای اهل سنت در غرب ایران بودند. پس از دو سال که از او خبری نبود ناگهان زنان و فرزندان و برادران و کسان او که در میان مهاجران بابی بغداد بزرگترین تعداد را داشتند از وجود او در حدود کردستان آگاه شدند و کسی به دنبال او فرستادند. میرزا یحیی هم که در این موقع کار وصایت و ریاستش سر و سامان یافته بود، بدو نامه یا توقیعی نوشت و برادر را به بغداد فراخواند. وقتی میرزا به بغداد آمد اداره امور مهاجران بابی را برعهده گرفت و میرزا یحیی را برای پرهیز از خطرهای محتمل به نام حضرت ازل و شخصیت مستور به تقلید ائمه اسماعیلیه صده دوم و سوم هجری از انظار پوشیده داشت و خود زیر عنوان جناب بهاء بر زبانها مذکور و مشهور به رتق و فتق امور یاران و همسفران می پرداخت. با وجود این تربیت، باز حوادث ناگواری از کشتن و به رودخانه افکندن و سربریدن در میان بود. بگذارید داستان سفر به بغداد را از زبان خود بهاء بشنویم به شرحی که در کتاب الشیخ نوشته است: «در ایامی که حضرت سلطان - ایده الرحمن - عزم توجه به اصفهان نموده، اذن حاصل کرده، قصد زیارت بقاع مقدسه منوره ائمه - صلوات الله علیهم - نموده بعد از رجوع، نظریه گرمی هوا دار الخلافه و شدت آن به لواسان رفتیم. بعد از توجه، حکایت (سوء قصد) حضرت سلطان - ایده الله تبارک و تعالی - واقع، جمعی را اخذ نمودند. از جمله این مظلوم را که عمرالله ابداً داخل در آن منکر نبودم و در این آوارگان و پناهندگان ایرانی گاه به گاه رو می داد و به طریقی بر آنها سرپوش نهاده می شد. ضمناً برای این که از مقررات کاپیتولاسیون و حکومت مستقیم کنسولگری ایران در بغداد مصون باشند همگی تابعیت دولت ایران را ترک کردند و تبعه دولت عثمانی شدند. بدیهی است این تغییر وضع سیاسی بدیشان آزادی گفتار و رفتار بیشتری داد و در سیاق تعبیر و نگارش آنان درباره بزرگان شیعه و عمال دولت ایران، به شهادت تاریخ قدیم بایه (که به تاریخ حاجی میرزا جانی معروف شده) و ایقان که زمان تألیف هر دو کتاب مقارن است، مظهر این جسارت بیانی در سیاق عبارتهای این دو کتاب کاملاً مشهود است. چنان که از روایات منقول و تفسیر و تبیین کتاب ایقان خاطر نشان می گردد سید محمد تاجر شیرازی، دائی بزرگ سید علی محمد باب که مانند قاطبه اقارب پدری سید و خواهر او که مادر سید باب باشد بر عقیده مذهبی پدران خویش استوار بودند و نسبت به دعاوی سید علی محمد خواهر زاده اش اعتقادی نداشت. در آن اثنا برای زیارت عتبات عالیات و ملاقات خواهرش که در آن اماکن متبرک مجاورت اختیار کرده بود به عراق عرب آمد و از قرار منقول در بغداد وسیله ملاقاتش با مهاجرین به خصوص «جناب ایشان» که زمام امور ظاهری را در دست داشت فراهم آمد. نتیجه این ملاقات خالو با «بهاء» برای تدوین رساله ای در اثبات حقانیت سید باب، زمینه مناسبی شد که به نام «رساله خالویه» موسوم گشت مشتمل بر دو باب که جوانب مختلف ادعای سید باب را کاملاً در بر می گرفت. معلوم نیست نسخه ای از این رساله خالویه در روز خود به سید محمد شیرازی داده یا بعد از تحریر برای او فرستاده باشند. و بر همین اساس معلوم نیست که مطالب این رساله در تغییر عقیده و ایمان سید محمد خال اکبر سید باب نسبت به دعاوی خواهر زاده اش توانسته باشد اثری ببخشد چه میرزا حسن فسائی در فارس نامه ناصری، بیست سال بعد از این ملاقات، سید محمد

مزبور و دو پسرش را از بازرگانان متدین و نیکنام محله ایشان در شیراز معرفی می کند و سالها بعد از تدوین ایقان، سید محمد را پس از مردنش در حرم شاه چراغ شیراز بنا به وصیت او دفن کردند تا ثبات مسلمانی او را بکند. مطالب رساله خالویه که حقانیت ادعاهای سید باب را اثبات می کرد بعد از سال ۱۲۸۰ و آشکار شدن اختلاف میان فرزندان بزرگ و کوچک میرزا بزرگ نوری بر سر ریاست حزب بابی، بعید نیست که از مراحل تحول و تکامل در ادرنه گذشته و با تکمیل و تبدیل اسم «رساله خالویه به نام تازه ایقان» از اهمیت بیشتری برخوردار شده باشد. وضع نگارش این کتاب که به دو باب تقسیم می شود و هر بابی به عباراتی عربی و مصدر به جمله «الباب المذكور فی بیان ان» ... است و در پی آن سخن را با جمله های «جوهر این باب آن که» ... یا «لطائف و جواهر این باب آن که» ... آغاز می کند، بی شباهت به اسلوب افتتاح بابهای بیان فارسی نیست و چنین به خاطر می رساند که این رساله فی الواقع تقلیدی از اسلوب انشای فارسی منسوب به سید باب بوده که نویسنده اش می خواسته حقانیت امر سید باب را در کلیه دعاوی منسوب بدو اثبات کنند. و در ضمن مشق و تمرینی هم از کار تکمیل بیان فارسی کرده باشد پیش از آن که این نکته از خاطر نویسنده این سطور بگذرد، شوقی افندی در کتاب تاریخ بایه انگلیسی خود به اسم «گاد پاسیزبای» در این باره شرحی می نویسد که مفاد آن از این قرار است: «در میان آثاری که بهاءالله نوشته بزرگترین و قدیمی ترین آنها ایقان است که در سالهای واپسین اقامت بغداد در مدت دو شبانه روز به رشته تحریر در آورد و با نگارش آن خواست وعده باب را درباره این که موعود، بیان ناتمام او را تکمیل خواهد کرد، تحقق بخشد». چنان که مطلعان می دانند سید باب بیانی را که بدو نسبت می دهند و چنان که معهود بود، بایستی مشتمل بر نوزده واحد و سیصد و شصت و یک باب باشد، نتوانست تمام کند و نسخه های عربی و فارسی آن هر دو ناقص مانده اند. تعجب در این است که نه «ازل» و نه بهاء هیچ کدام از عهده تکمیل متن عربی و فارسی بیان برنیامدند بلکه از ازل چند واحد محدود از تمه بیان عربی و از بهاء هم دو باب ایقان فارسی در این زمینه باقی مانده است. تألیف رساله خالویه دو سال پیش از ترک بغداد از طرف بهاء برای بستن دهان بدگویان و مخالفان که میرزا حسینعلی را در همکاری با برادر کوچک و یارانش مخلص و صمیمی نمی دانستند سنگو یا و برائی بود چه در سراسر این کتاب جز اظهار حسن اعتقاد و خلوص در ایمان به سید باب چیز دیگری دیده نمی شود. تصور می رود نگارش چنین اثری آن هم دو سال بعد از اظهارات بهاء در سال ۱۲۷۵ و پرده پوشی فوری بر ظهور خود، در آن مکان و در میان مخالفان و افراد منظور خالی از تأثیر موافق نبوده است. باید به یاد آورد که سال ۱۲۷۸ هجری مصادف زمانی بوده که میرزا حسینعلی بهاء بر اظهار امر خود در سال ۱۲۷۵ پس از تبه بایان، پرده فرو گذارد و چنان که محمد رضای اصفهانی مخملباف مقیم بغداد در اواخر کتاب تاریخ قدیم بایه سال ۱۲۷۷ هجری وضع حضرات را در آن موقع تصویر کرده است، بایان در پیرامون «جناب بهاء» و «حضرت ازل» گرد آمده بودند. بنابر این تألیف «رساله خالویه» به هر سببی که پیوسته باشد در بهبود وضع ناپایدار مولف آن و جلب اطمینان و حمایت بایان بدگمان و ظنین، اثر خوبی همراه می آورده است. در کتابهای تاریخ امری به اظهار امر بهاء در سالهای ۱۲۶۹ و ۱۲۸۰ مطالبی نوشته شده ولی به اظهار امر او در سال ۱۲۷۵ کمتر اشاره ای رفته است چنان که محمد علی فیضی این قضیه را در کارنامه نو پرداخته از زندگی بها نادیده گرفته و بدان اشاره ای نکرده است. اما میرزا آقا جان خادم در مکتوب مفصلی که شاید در اواخر دوران توقف مشترک بها و ازل در ادرنه و یا اوایل مهاجرت به عکا بر ضد ازل نوشته باشد، چنین می گوید: «جمال مبارک در سنه نهم ظهور، اظهار امر فرمودند. چون ضوضای سر و صدای معاندین بلند شدن گرفت، پوشاندند. بعد در سنه پانزدهم اظهار فرمودند. باز پوشیدند. بعد از سنه بیستم فرمودند که سنه ثمانین باشد و نپوشاندند و روز به روز پرده از روی مطلب برداشتند.» این اظهار امر به سال پانزدهم بیانی از طرف میرزا در آثار بهائی و بابی مورد ذکر خاص نیافته و تنها کتاب ایقان است که سه سال بعد از آن امر، موضوع مذاکره با سید محمد شیرازی را در برای اثبات حقانیت سید باب، زمینه مناسبی قرار داده و در آخر باب اول به طور مختصر و در اواخر باب دوم ایقان به طور مشروح و مفصل، از آن چنین سخن در میان می آورد: «از فقها و علمای بیان استدعا می نمایم که چنین مشی نمایند و بر جواهر الهی و نور ربانی و

صرف (حرف) ازلی و منتهای مظاهر غیبی در زمن مستغاث (۲۰۰۱) وارد نیامدند آن چه در این کور و وارد شد... اگر چه با جمیع این وصایا دیده می شود که شخص اعور (؟) که از روسای قوم است در نهایت معارضه برخیزد... باری، امیدوارم که اهل بیان تربیت شوند... حق را از غیر حق تمییز دهند و تلبیس باطل را به دیده بصیرت بشناسند. اگر چه در این ایام رایحه حسدی ورزیده... چنانچه جمعی که رایحه انصاف را نشنیده اند رایات نفاق برافروخته اند و بر مخالفت این عبد اتفاق نموده اند... یا این که به احدی در امری افتخار نمودم و به نفسی برتری نجستم... با فقرا مثل فقرا بودم و با علما و عظماء در کمال تسلیم و رضا مع ذلک... چه اظهار نمایم؟ این عبد در اول ورود این ارض (بغداد) چون فی الجمله بر امورات محدثه بعد اطلاع یافتم از قبل مهاجرت اختیار نمودم و سر در بیابانهای فراق نهادم. به خود مشغول بودم و از ما سوی غافل.. قسم به خدا که این مهاجرتم را خیال مراجعت نبود. و مقصود جز این نبود که محل اختلاف احباب نشوم و مصدر انقلاب اصحاب نگردم. غیر از آن چه ذکر شد خیالی نبود و امری منظور نه. اگر چه هرنفسی محمل بست و به هوای خود خیالی نمود تا آن که از «مصدر امر» حکم رجوع شد و لابداً تسلیم نمودم و راجع شدم. دیگر قلم عاجز است از ذکر آن چه بعد از رجوع ملاحظه شد. حال دو سنه (سال) می گذرد که اعداء در هلاک این عبد فانی به نهایت سعی و اهتمام دارند چنانچه جمیع مطلع شده اند. مع ذلک نفسی از احباب نصرت نمودم. و این عبد در کمال رضا جان بر کف حاضر که شاید از عنایت الهی و فضل سبحانی این حرف مذکور مشهور در سیل نقطه و کلمه مستور فدا شود و جان در بازو و اگر این خیال نبود... آنی در این بلد توقف نمودم.» میرزا حسینعلی در رساله خالویه از اظهار امری که باعث بر این ستیزه جویی مخالفان شده بود ذکری در میان نمی آورد ولی میرزا آقاخان خادم چندی بعد، به اظهار امر او در سال ۱۲۷۵ اشاره می کند و می گوید آن را دوباره پوشانید همان طور که در سال ۱۲۶۹ که به بغداد رسیدند عمل کرد و بدین اظهار امر و پوشاندن آن در اثر ضوضای معاندین تصریح می کند. پس این وضع نامناسبی که بهاءالله در این دو صفحه از ایقان آن را شرح می دهد ناگزیر نتایج نامطلوبی بوده که بر اظهار امر دوم از طرف او در سال ۱۲۷۵ هـ مترتب شده بود. کسی که ایقان را از اول تا آخر مطالعه کند جز صفحه ۵۸ از اواخر باب اول از چاپ اول و از صفحه ۱۵۱ تا ۱۵۴ باب دوم همان چاپ که مطالب آنها با سایر مندرجات کتاب کمتر سازش دارد، کلیه مطالب دیگر ایقان را در اثبات دعاوی سید علی محمد باب و حسن اعتقاد و ایمان نویسنده کتاب نسبت به اظهارات سید باب می نگرد. در چند موضع که نویسنده خواسته به وجود خود اشاره ای کند به ذکر «خادم فانی» و «عبد فانی» قناعت ورزیده که در آن شبهه هیچ گونه ادعا و اظهار امری نرود. بنابر این تألیف این رساله در حقیقت بیان اعتقاد راسخ نویسنده اش به کلیه دعاوی سید باب بوده بی آن که برای خود کوچکترین حقی و مقامی قائل باشد و چنان که گفته شد گویا نتیجه ای که از این اقدام منظور داشته همانا ازاله شک و شبهه از بایبان مهاجر و مسافر بغداد درباره شخصیت دینی مولف بوده است که در فشار مخالفان و معاندان سرسخت قرار گرفته بود. از آن چه از اواخر باب دوم نقل کردیم، دو نکته به نظر می رسد که به کیفیت اعتقادات مؤلف شکل خاصی می دهد. یکی قید «مصدر امر» ی که به امر او تسلیم شود و بازگشت و دیگری آن که جان بر کف حاضر بوده تا در راه نقطه و کلمه مستور فدا کند. برای کسی که به اصطلاحات بیانی آشنا باشد مقصود از «حرف مذکور مشهور» نویسنده کتاب است که پیوسته در بغداد با مردم در تماس و مذاکره بوده و کلمه «مستور» همان شخصی است که بنا به قول عبداله‌بهاء در تاریخ سیاح، او را برای مصلحت امری از انظار دور نگاه داشته بودند و به جای معرفی به اسم، او را «مقام مستور» می گفتند. وجود لفظ نقطه پیش از کلمه مستور چنین افاده می کند که نویسنده کتاب می خواهد نسبت به سید باب و وصی مستور او که «مصدر امر» معرفی شده عرض فداکاری کند. وجود این موارد در کتاب مزبور، پیش از اعلام جدایی دو برادر نوری و اظهار دعوت تازه و جداگانه در ادرنه به سال ۱۲۸۰، هیچ اشکالی به وجود نمی آورد و جریان امر از روی گزارشهای جنرال کنسول ایران در بغداد به وزارت خارجه تا هنگام انتقال حضرات از بغداد به سوی اسلامبول بر همان منوال باقی بود که میرزا یحیی ازل حتی به هنگام خروج از بغداد هم در پس پرده مستور و جناب «ایشان» در هر موردی مذکور و مشهود باشد. اما بعد از اعلام دعوت در

ادرنه، قضیه دیگر گون شد و ضرورت پیدا کرد که ایقان به طوری عرضه شود که این الفاظ و عبارات کتاب، دیگر به کیفیت ادعای جدید در اذهان بایان زیانی نرساند. محتمل است این کتاب پیش از آن که وضع قابل قبول و تکثیر را به خط دست زین المقربین پیدا کند به مراحل متعدد تصحیح و اصلاح لازم فائز شده باشد که فقدان نسخه های مورخ به دوران اقامت بغداد و ادرنه ما را از کیفیت امر بی خبر می دارد. چنان که گفته شد امروز دو نسخه استاندارد از این کتاب موجود است: یکی مخطوط به خط زین المقربین و دیگری چاپی به خط نستعلیق کاتب نامعلوم که شاید از آن به غصن اکبر یا خادم باشد. چه این دو تن از طرف «ایشان» با اختیارات تام برای نشر آثار او به بمبئی در ۱۳۰۸ اعزام شدند و در نتیجه این مسافرت بود که اقدس چاپ اول و ایقان چاپ اول انتشار یافت. با وجود این، کلمات «خادم فانی» و «عبد فانی» و «مصدر امر» و «کلمه مستور» در هر دو نسخه موصوف بر جای ماند و مانند استخوانی درون زخم کهنه مذهبی بایه باقی ماند. اما چاپ دیگری از این کتاب که به خط نستعلیق و با اسم عددی کاتب که ۲۵۱ مقلوب اعداد حروف بها (۱۵۲) در امضای اوست، در سال ۱۳۱۰ انتشار یافته و خط آن با خط نستعلیق میرزا جبار مشکین قلم زنجانی و میرزا آقا جان کاشی و میرزا محمد علی غصن اکبر تفاوت شکلی دارد. پس آن چه که فاضل مازندرانی زیر کلمه ایقان از جلد اول اسرار الآثار آورده «اولین طبع به خط مشکین قلم در بمبای به سال ۱۳۱۰ هـ ق صورت گرفت» نمی تواند بر این طبع منطبق گردد. چه: اولاً- جمع حروف اسم «مشکین قلم» و «جبار» و «میرزا جبار» و «جبار زنجانی» هیچ کدام با ۲۵۱ عدد اسم کاتب این چاپ مساوی نیست. ثانیاً اصلاحاتی که از چاپ ۱۳۱۸ به بعد در چاپ های قاهره و تهران و دهلی منظور آمده در این چاپ وارد شده است. در صورتی که نسخه چاپ میرزا آقا جان و میرزا محمد علی که به سال ۱۳۰۸ و در حیات بهاء در بمبئی انتشار یافت با سی و پنجمین نسخه خط استاندارد زین المقربین کاتب وحی که در ۱۲۹۴ قلم بند شده از هر حیث تطبیق می کند و نسخه زین متنی است که صحت آن را از طرف مؤلف تصدیق کرده اند. ثالثاً وضع عکا در سال ۱۳۱۰ که بیش از یک سال بر مرگ پیشوای بهائیان نمی گذشت از هیچ لحاظی با اصلاح و تجدید نظر یک طرفه و چاپ سریع کتاب به صورت تازه هنوز مناسب نبود. رابعاً خط این چاپ با خط مجموعه نامه های معروف به «اقتدارات» که همین سال در بمبئی به تاریخ معین و خط و امضای مشکین قلم انتشار یافته یکسان نیست و تصور می رود فاضل غفران مآب در حافظه خود چاپ اول ایقان را که نویسنده اش معین نشده با چاپ اول مجموعه اقتدارات که در سال ۱۳۱۰ به قلم مشکین قلم انتشار یافته بود در هم آمیخته و از آن ایقانی به وجود آورده که در سال ۱۳۱۰ برای نخستین بار انتشار یافته باشد و بدین نیندیشیده که متن چاپ ۱۳۱۰ با متون اصلاح شده چاپ ۱۳۱۸ به بعد از حیث تغییر شکل الفاظ و عبارات بر یک منوال است و مثلاً «خادم فانی» در این چاپ «مظلوم» و کلمه «مستور» هم به «کلمه علیا» تبدیل شده است. بنابر این متن چاپ اول ۱۳۰۸ که از حیث املا- و انشا با روایت معتبر و مجاز نسخه های خط زین المقربین کاملاً مطابقت دارد نسخه ای معتبر و با نسخه ای که یک سال بعد بدون وجود متنی قابل استناد، صدها تغییر در الفاظ و عبارت آن راه یافته قابل مقایسه نیست. از ۱۲۷۸ تا ۱۳۱۸ شمسی که مطابق ۱۳۵۸ هجری قمری بوده یعنی در طول مدت هشتاد سال هرگز در جایی دیده و شنیده نشد که نسخه اصل ایقان به خط مؤلف در فلسطین و یا محل دیگری وجود دارد تا آن که پس از هشتاد سال فاضل مازندرانی ناگهان در خانه فاطمه خانم دختر حاجی میرزا علی تریاکی خراسانی و همسر حاجی میرزا حسینعلی یزدی معروف به «سمی مقصود» یا «همنام بهاء» که از کارگزاران به نام بهائی در یزد و شیراز بود و با افنان شیرازی رابطه نسبی نداشت، نسخه ای از ایقان بدون تاریخ تحریر یافت که خط آن به خط عبدالبهاء در آغاز جوانی و هیجده سالگی او شباهت داشت و در حاشیه برخی از صفحه هایش مطالبی نوشته شده بود که به خط بهاء شبیه بود. زن صاحب خانه و مالک نسخه عقیده داشت این همان نسخه ای است که هشتاد سال پیش در بغداد به سید محمد خال اکبر تسلیم شد و پس از فوت او سه پسر و چند دختر دیگرش از وراثت این میراث خانوادگی محروم ماندند و تنها به خدیجه سلطان دختر سید محمد که مادر میرزا علی پدر فاطمه بوده رسید و خدیجه سلطان هم به دختر داماد خود که از زن دیگری جز دختر خدیجه داشته بخشید. عجب است از این دختر و شوهرش که سالها بود این طریقه

مذهبی و مالک این نسخه بودند و به وجود چنین اثر بیاماندنی در صندوق خانه خود تا این تاریخ پی نبرده و به معرفی آن نپرداخته بودند. پیش از آن که این نسخه به دستور شوقی افندی از ایران به اسرائیل برود و در دار الآثار بهائی حيفا در کنار تل ایب ضبط شود، فاضل آن را دیده و در اسرار الآثار خود چنین وصفش می کند: «در محلی از هاشم به طریق الحاق به خط بهاءالله شمه ای داشت که صورت عبارت چنین است: «و این عبد در کمال رضا جان بر کف حاضریم که شاید از عنایت الهی و فضل سبحانی این حرف مذکور مشهور در سیل نقطه و مکمن مستور فدا شود و جان در بازدا اگر این خیال نبود فو الذی نطق الروح بامر، آنی در این بلد توقف نمی نمودم و کفی بالله شهید.» خط شکسته نستعلیق و جمل عربیه خط نسخ زیباست ولی مانند «شهید» مذکور در آخر، بی الف علامت نصب و فعلهای جموع در آیات قرآنیه بی الف زائد در واو جمع بوده و نظائر کلمات «رؤساها» و «ملائکه ها» یعنی آوردن جموع عربیه را به جمع فارسی به علامت «ها» و نیز نظائر افعال فلتقطعن یعنی آوردن امر مخاطب معلوم را بالام امر و نظائر فعلی یصلن یعنی آوردن فعل مضارع غیر طلبی با نون تأکید و امثال ذلک، بسیار دارد» در صورتی که همین عبارت منقول فاضل را در نسخه خطی و چاپی استاندارد که اصلش از تصویب مولف گذشته «شهیداً» با الف و به جای «مکمن» یا کمینگاه بی مورد و زاید در جلو مستور مرادف مکمون، «کلمه» با صفت «مستور» همراه است. فاضل مازندرانی بر عکس میرزا ابوالفضل و داعیان دیگر بهائی منکر وجود نقاط متعدد ضعف املائی و انشائی در نسخه ای که به عقیده فاضل جامع فضیلت خط و انشاء بوده، نشده است و سپس در همین اثر خود خواسته به تفسیر و تعلیل و تجویز استعمال غلط ها پردازد که از حدود بحث فعلی ما خارج است و کسانی که مایل به تحصیل اطلاعات بیشتری در این زمینه باشند باید به کتابهای خطی آقایان محمد رضای افضل و ابوتراب هدائی از فضلا و اثر تحقیقی خطیب شهیر آقای حلبی درباره ایقان مراجعه کنند تا به کیفیت این بحث مهم آگاه شوند. مطلبی که در این مورد باید به خاطر داشت این است که صرف شباهت خط نسخه ای به دست خط پسر و پدر یعنی عبدالبها و بها را نمی توان دلیل اصالت نسخه شمرد. زیرا چنان که می دانیم در پیرامون این پدر و پسر مردان و زنانی از خویش آشنا بودند هم چون میرزامحمد علی و میرزا آقا جان و مادر شوقی افندی و میرزا حبیب و زین و صبحی که از عهده شبیه نویسی خط آنان به خوبی بر می آمدند. از خوانندگان ارجمند این مقاله اجازه می خواهم بار دیگر موضوع نگرانی سران بهائی را از بابت انتشار ایقان در میان آورم و خاطر نشان سازم رقابت و کشمکش که از سال ۱۲۸۰ تا حین مرگ برادران نوری دامان هر دو تن را گرفته بود که روزگاری در کنار هم از مواهب حزب برخوردار می شدند به این گونه امور مایه می بخشید و وجود دو عبارت «مصدر امر» و «کلمه مستور» در برابر «حرف مذکور و مشهور» و «خادم فانی» و نظائر آن که شأن برادر بزرگ را دون مرتبه برادر کوچک می برد در آغاز امر بر صدها مورد قابل انتقاد از لحاظ املا- و انشا و کیفیت روایت و نقل فرو می افکند. با وجود این در حیات مؤلف امکان تغییر کامل این عبارتها میسر نشد ولی پیوسته جانب احتیاط را در نشر این اثر به خارج از حوزه معتقدان بر می انگیخت. تا آن که شیخ عبدالسلام آخوند زاده قفقازی رساله اول و دوم خود را در انتقاد جنبه فکری و استدلالی ایقان تدوین کرد و عبدالبها و میرزا ابوالفضل را در پی هم بر انگیخت تا به پاسخ گویی پردازند دریافتند که زمینه برای طرح موارد قابل انتقاد لفظی کتاب آماده است. بدین نظر در فاصله انتشار رساله دوم شیخ الاسلام (۱۳۱۴) و انتشار فرایند گلپایگانی در سال ۱۳۱۷ با یک سال بعد آن فرصتی به دست آنان افتاد تا کتاب را با اصلاح موارد قابل نقد و اخذ زیر نظر میرزا ابوالفضل در قاهره با حروف سربی به سال ۱۳۱۸ هجری به صورت جدیدی در آورند و بر مردم عرضه کنند و به تدریج نسخه ای چاپ اول آن از دسترس نسل جدید خارج گردد. چاپ های ۱۳۵۲ هـ و ۱۳۵۸ هـ و چاپ عکسی کوچک و چاپ سنگی دهلی که متوالیا انتشار یافت همه مبتنی بر نسخه تصحیح شده چاپ ۱۳۱۸ هجری بود که بدان اشاره رفت. در این میان تکالیف نسخه چاپ مورخ به ۱۳۱۰ درست مشخص نیست که از حیث زمان انتشار، یک سال بعد از چاپ و از حیث تصحیح الفاظ و کلمات در ردیف نسخ های بعد از ۱۳۱۸ قرار داد. خدایا زین معمی پرده بردار. آری، وجود کلمه «مستور» و «مصدر امر» چنان که رفت فوق العاده موجب دغدغه خاطر حضرات بهاء و عبدالبها و شوقی افندی بود

اما تبدیل «کلمه مستور» ب «کلمه علیا» در چاپهای ۱۳۱۸ به بعد توانست به نسیان لقب «مستور» برای ازل در دوران اقامت بغداد کمک کند و اگر برخی از مبلغان صمن نکوهش میرزا یحیی از استعمال لقب «مستور» در حق او استفاده نمی کردند شاید امروز در میان بهائیان و بایبان نسل حاضر کسی باقی نبود که به وجود آن بتواند پی ببرد. عبارت «مصدر امر» که چندان به بهاء و عبدالبهاء گران سنگ نمی آمد بر شوقی افندی تحمل ناپذیر افتاد و برای محور اثر آن در میان بهائیان فارسی نخوان و انگلیسی دان آینده با وجد علیقلی کلانتر کاشی مقیم آمریکا به دستور عبدالبهاء ایقان را یک بار به انگلیسی ترجمه کرده و نشر داده بود و هنوز اقدس که قانون اساسی حزب است به زبان انگلیسی ترجمه نشده بود، شوقی افندی خود ترجمه تازه ای از ایقان به انگلیسی تهیه کرد تا در ضمن عبارت «مصدر امر» را در صفحه ۲۵۱ ترجمه خود به عبارت انگلیسی «میسٹیک سورس» یا اصل عرفانی مبدل سازد و سایه سنگین سابقه وجود ازل را از سر عبارت «مصدر امر» کوتاه کند. اما این نکته را در ترجمه ای که به دستور شوقی از ایقان به زبان عربی شده و در بیروت به چاپ رسیده منظور نیاورده و «مصدر امر» را به جا گذارده اند. فاضل مازندرانی در کتاب اسرار الآثار خودش این مطلب را از قول بهاء نقل کرده است: «کتاب ایقان مخصوص جناب خال در حضور نازل و کیفیت حبس و سفر این مظلوم در آن مذکور، آن را به غیر نسبت داده اند. بگو ای غافل، از افتادن سوال نما تا بر تو واضح و معلوم گردد.» این موضوع در لوح یا کتاب مضاف به اسم شیخ تکرار شده و معلوم نیست که و کی و در کجا ایقان را به مولف دیگری نسبت داده بود؟ ذکر افتادن در این مورد قرینه است که این اثر قلمی مربوط به سالهای آخر عمر بهاء و بعد از تاریخ نگارش مکتوب یا کتاب شیخ بوده است. زیرا تا حدود سال ۱۳۰۰ هجری هنوز ذکری از افتادن در پیش نیامده بود و سید محمد خال و فرزندانش در شیراز کبابه مسلمانی می کشیدند و بعید نیست تاریخ اثر به زمانی دیرتر از این موقع هم بیبوندند. فاضل مازندرانی ضمن توجیه هایی که از برخی اغلاط لفظی و معنوی ایقان می کند و در ورد ذکر انبیاء داود و عیسی ونوح و هود که عبارات ایقان با مبانی مقرر و اخبار موثق تطبیق نمی کند، بیانی جذاب دارد که از خودش بشنوید. «سخن در باره ی انبیاء مذکور حکمه طبق سطوح معتقدات ظاهر به عوام و حسب عقیده مخاطب یعنی حاج سید محمد خال آورده اند تا استیحا و تعجب نکند چنان که بسیاری از مواضع و بیانات مذکوره در این کتاب چنین است.» و بدین ترتیب کار دنیا و دین را بر یک مبنی قیاس کرده و درهم آمیخته است. تاریخ تألیف ایقان چنان که از عبارت «اکنون دوسنه است» بر می آید دو سال بعد از اظهار امر به سال ۱۲۷۵ یعنی در ۱۲۷۷ بوده است و در جای دیگر رساله با قید عبارت «اکنون هجده سنه می گذرد» تاریخ تألیف را به سال ۱۲۷۸ می رساند که مورد قبول بهائیان است اما در آنجا که ذکر «سنه ۱۲۸۰ می گذرد» اشکالی به وجود می آورد که اگر از بعثت به حساب آید به سال ۱۲۷۰ یعنی دوران قبل از مهاجرت بهاء به کردستان بر می گردد و اگر از مبدأ هجرت بر خلاف ظاهر عبارت گرفته شود به دو سال بعد از ۱۲۷۸ هنگام ورود بایبان به اسلامبول یا ادرنه می رسد. به هر صورت تاریخ تدوین ایقان هم خالی از ابهام و اشکال نیست و با وجودی که آقای ابوتراب هدائی در نسخه ای از ایقان خطی که با چاپ اول مقابله می کرده عبارت «هزار و دویست و هفتاد و هشت» را به جای «هزار و دویست و هشتاد» دیده است، مطابقت کلیه نسخه ها با روایت هشتاد، بدین صورت منفرد ارزشی جز احتمال تصرف قلم اصلاح کاتب نسخه نمی دهد. راجع به این کتاب می توان سخن بسیار گفت و مانند خطیب دانشمند حلبی چند صد صفحه بزرگ درباره آن چیز نوشت ولی چنین کاری از فراخور بحث کتابشناسی و حضور ذهن ما بیرون است. اینک در خاتمه نظر خوانندگان را درباره اغلاط و اختلافات لفظی و معنوی نسخه های چاپی و خطی ایقان به این چند نکته جلب می کند: ۱- شیخ عبدالسلام آخوند زاده در رساله مدافعه و مطالعه خود نه بر مبنای اساسی استدلال ایشان را هدف انتقاد منطقی و کلامی قرار داده ولی به نقاط ایراد لفظی و معنوی از عبارات ایقان نظری نیفکنده است و به میرزا ابوالفضل و خطیب حلبی مجال آن را داده است که یکی از تغافل شیخ بر خود ببالد و دیگری با نقل صد و پنجاه و اندی غلط ادبی گوش مدعی را بمالد. ۲- آقای محمد رضای افضل که ایقان چاپ اصلاح شده ۱۳۱۸ قاهره را مورد مطالعه قرار داده هشتاد و چهار خطای آن را در کتاب مطبوع «فلتات و خطئات» بر شمرده است.

۳- آقای ابوتراب هدائی در چاپ سوم از کتاب «این دین نیست» چهارصد و پنجاه مورد تفاوت یا تصحیح میان یک نسخه خطی از کتاب ایقان که در دست داشته با نسخه چاپ اول سربی قاهره یافته و در برابرهم در جدولی نهاده است. علاوه بر آن در ضمن نقل ده آیه از قرآن کریم تصرفاتی یافته و نوشته است. ۴- عده ای از جوانان فاضل پژوهشگر در تهران از مقابله دقیق چاپ اول ایقان با پنج چاپ دیگر جدولی فراهم آورده اند که ۴۸۴ مورد اختلاف را در آن جدول قید کرده اند. ۵- خطیب فاضل آقای حاجی شیخ محمود حلبی علاوه بر نقل جدول اختلافات مزبور، صد و پنجاه و چهار غلط ادبی از متن ایقان بیرون آورده و در کتاب «پژوهش جامع درباره ایقان» تألیف خود به تفصیل یاد کرده است. شاید دیگری در ضمن مراجعه تازه ای به موارد دیگری هم بر بخورد. چنان که یکی از دوستان فاضل نویسنده در ضمن مراجعه به آخرین صفحه از چاپ اول وقتی نظری بر عبارت عربی (المنزول من الباء و الهاء) افتاد که در همه نسخ خطی و چاپی به همین صورت وارد است بر ذکر کلمه «منزول» به جای «نازل» اعتراضی داشت که در جدول اغلاط ادبی خطیب حلبی هم ذکر شده بود. ولی حذف حرف «الف» از آخر عبارت «الباء و الهاء» را قابل توجیه و تعلیل نمی دانست و می گفت در پایان غالب نسخه های خطی و چاپی ایقان و در کنار آن از دو حرف ب و ه صورت رقمی امضای میرزا حسینعلی با اعداد ۱۵۲ به چشم می رسد و وجود عدد «۱» در آخر امضا به یادآورنده حذف بی جهت «الف» دنباله ب و ه متن کتاب است. اینک دست به دعا برداشته و از خداوند تبارک و تعالی می طلیم: ربنا لاترغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا و هب لنا من لدنک رحمه انک انت الوهاب. ۲۵ محرم سنه ۱۳۹۸ هجری. تکلمه: ۱- آقای منصور پهلوان که بر اخبار و آثار فرقه بابی و بهائی وقوف دارد ضمن یادداشتی که از نوشته سلیمانی اردکانی در ترجمه احوال میرزا ابوالفضل گلپایگانی استخراج کرده و فرستاده است خاطر نشان می سازد که میرزای گلپایگانی در سال ۱۳۰۵ هجری که به تبریز سفر کرده بود در آنجا نوزده جلد از کتاب ایقان چاپی را که در همان سال به خط میرزا محمدعلی غصن اکبر به چاپ رسیده بود برای احباب همدان به ارمغان فرستاد در این صورت به فرض صدق خبر معرف سرشناسان طایفه تاریخ نشر ایقان سه سال پیش از ۱۳۰۸ و مسافرت میرزا محمدعلی و میرزا آقاخان به بمبئی در ۱۳۰۵ بوده و حدس ما در این که چاپ اول کتاب به خط غصن اکبر بوده تأیید می کند. با وجود این تردید درباره انتساب نسخه چاپ ۱۳۱۰ را به خط مشکین قلم چنان که مبلغ مازندرانی پنداشته از میان نمی برد ولی روایت او را در این که چاپ ۱۳۱۰ نخستین چاپ ایقان است رد می کند. ۲- از آن چه در این مقاله راجع به ایقان و از مقاله قبلی درباره اقدس استنباط گردید میرزا محمد علی غصن اکبر در اصلاح و تصحیح و انتشار این دو کتاب سهم دوم را پس از پدرش داشته و بهائیان فعلاً از پرتو همت غصن اکبر به صورت های چاپی از این دو اثر دسترس پیدا کرده اند. با وجود این، لعن و سب و نفرین دسته پیرو شوقی افندی بر او در زیر عنوان (ناقص اکبر) بهترین پاداشی بوده که از طرف پیروان پدرش در ترویج و تصحیح این آثار بدو عاید شده است. نفرت بهائیان از این خوشنویس منصوص کتاب عهدی و مصحح ایقان و اقدس تا آن جا می رسد که مهرابی در دفتر سرگذشت گلپایگانی حادثه ارسال ایقانا را از تبریز به همدان از روی نوشته سلیمانی نقل کرده ولی خود را راضی نکرده که اسمی از میرزا محمد علی ببرد، زیرا او را مستحق عذاب و لعنت می دانسته است. ۳- امضای معمولی میرزا حسینعلی در پایان نوشته هایش شماره های حروف بها یا ۲ و ۵ و ۱ در آخر نسخه های خطی ایقان هم نقل شده که حاصل جمع این سه عدد هشت می شود نه عدد نه که رقم عددی حرف ط می باشد. رقم نه (۹) و حرف ط را که مخفف (طل) باشد نسخه برداران و محاسبان در موقع نسخه برداری کتاب برای ارائه زوائد مکتوب در نسخه یا جرح و تعدیل فرد، و رقم های محاسبات سیاقی به کار می بردند و وجود آن در کنار یا روی چیزی اشاره بر عدم صحت آن می کرده و تعبیر «رقم نه ری فلان چیز کشیده شد» در زبان فارسی ماخوذ از همین اصطلاح دیوانی و سیاقی بوده است. تصور این که وجود حرف همزه یا (ء) در کلمه بهاء عربی بتواند برای آن ارزش ۱ را نظیر الف تأمین کند و ۸ جمع را به ۹ برساند، خالی از اشکال علمی نیست. زیرا وضع تصویر حرف همزه به اعتبار حرکت آن تغییر می کند و پایه متناسب با حرکت را اختیار می کند و ارزش عددی همزه به حرف پایه آن بستگی دارد. مثلاً در کلمه سؤال عدد ۶ و در سائل

عدد ۱۰ و در مسألت عدد ۱ می باشد و آن گاه در نظائر کلمه سوء و ابتداء و سناء و بهاء چون همزه در خط پایه ای ندارد و برای همزه ضمن حروف ابجد، ارزش عددی ثابتی معهود نیست به همین نظر خود میرزا حسینعلی در تصویر اعداد حروف بها به همان سه عدد (۲ و ۵ و ۱) اکتفا کرده و از همزه بهاء حسابی بر نگرفته است و جمع آنها حقاً همان عدد (۸) می شود تعیین عدد نه (۹) صحیح نیست بلکه رمز همان ط مخفف ظل و باطل فن سیاق است. ۳- در قسمت اول این مقاله که در شماره بهمن و اسفند سال پیش انتشار یافت در صفحه ششم مقاله و ۸۲۷ مجله دست بی پروای صفحه بند شیرین کار خطائی صورت داده و شش سطر اول صفحه را برداشته و به آخر همان صفحه برده و آنگاه صفحه را با سطر هفتم آغاز کرده است در نتیجه، ارتباط حادثه که خواننده باید از روی روایت مکتوب بها بنگرد و بشنود، بر هم خورده است. خوانندگان مجله باید متوجه این خطاکاری و اصلاح آن قبل از مطالعه باشند.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

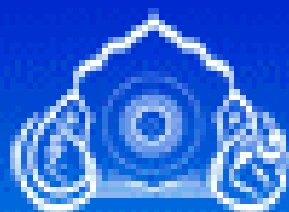
از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

